****

[نظر مختار در بکر بودن و از حرم بودن سنگریزه ها: 1](#_Toc489198171)

[شرط سوم: مباح بودن سنگریزه ها 1](#_Toc489198172)

[اجتماع امر و نهی 2](#_Toc489198173)

[نظر مختار در شرط سوم 3](#_Toc489198174)

[شرایط استحبابی سنگریزه ها: اندازه و رنگ آنها 4](#_Toc489198175)

[استحباب پیاده بودن و باطهارت بودن رامی 5](#_Toc489198176)

**موضوع**: رمی جمره /اعمال منا /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## نظر مختار در بکر بودن و از حرم بودن سنگریزه ها:

گفته شد رمی جمره عقبه باید با سنگریزه های حرم باشد و ما گفتیم کافی است این سنگریزها مدتی داخل حرم مانده باشد، و لو از غیر حرم به حرم منتقل شده باشد و همچنین گفته شده سنگریزه ها باید بکر باشد، ولی ما گفتیم نباید از حصی الجمار استفاده شود، ولی اگر حصی الجمار به مشعر منتقل شود و سال بعد از آن ها برای رمی استفاده شود، اشکالی ندارد، لذا بکر بودن شرط نیست.

## شرط سوم: مباح بودن سنگریزه ها

گفته شده رمی با سنگریزه غصبی مجزی نیست.

### اجتماع امر و نهی

این به بحث اجتماع امر و نهی مرتبط است، کسانی که به امتناع آن قائلند، می گویند اگر سنگریزه ها ملک غیر باشد، ولو بالحیازة، صحت رمی دچار اشکال است.

محقق خوئی فرموده: اگر واقعا نهی از غصب ساقط باشد، چون ناسی یا معتقد به عدم غصب است و در این جهل مرکب هم مقصر نیست، اطلاق دلیل رمی جمره شامل این فرض هم می شود.

اما اگر واقعا نهی از غصب ساقط نباشد، جاهل ملتفت به غصب که با اصل عملی یا اماره معتبره، اثبات حلیت کرده است، باید رمی به جمره عقبه را با سنگریزه غیر غصبی اعاده کند، زیرا اجتماع امر و نهی ممتنع است. و همچنین است در ناسی مقصر که نهی ساقط است، و لکن مبغوضیت باقی است و با مبغوض واقعی نمی تواند واجب را اتیان کند.

ان قلت: اگر نهی هم ساقط باشد، باز مفسده وجود دارد و لذا عمل باطل است.

قلت: این نظریه، موافق با نظر محقق نائینی است که می گوید حتی اگر شخص ناسی غصب را اکراه به استعمال آب کند و او وضو بگیرد، وضو باطل است، چون گرچه نهی ساقط شده، ولی ملاک آن ساقط نشده است و ترکیب هم که انضمامی نیست، بلکه اتحادی است.

و لکن به نظر ما مفسده، مانع از صحت عبادت نیست، بلکه آن چه مانع است، مبغوضیت صدور فعل از این شخص است که آن نیز وجود ندارد.

اما ما قائل به جواز اجتماع امر و نهی هستیم و بنا بر این، اگر این شخص نهی واقعی از غصب هم داشته باشد، چون جاهل متردد یا جاهل مرکب است، اگر نهی بر او منجز نباشد، امر به رمی جمره، شامل مصداق رمی به حصاة مغصوب هم می شود و وقتی نهی، به سبب جهل یا نسیان منجز نیست، مانع از تمشی قصد قربت نمی­شود، چون حرام غیر منجز است و چنین حرامی مبعد از مولا و مانع از تقرب نیست.

بلکه حتی در فرض علم و عمد هم برخی مثل مرحوم امام قائل به صحت عبادت هستند (لولا الاجماع) البته به نظر ما چنین اجماعی هم وجود ندارد.

آیت الله زنجانی نیز قبلا فتوا می دادند که در فرض علم و عمد هم عمل صحیح است، اما اخیرا اشکال اثباتی دارند و گفته اند عرف به اطلاق دلیل واجب نسبت به فرد حرام، وثوق پیدا نمی کند، حتی در موارد ترکیب های انضمامی دقیقی که تفکیک آن سخت است، مثل غسل در فضای مغصوب.

ولی نظر ما این است که اگر مشکل ثبوتی حل شود، مشکل اثباتی نداریم، خطاب قانونی است و اگر شک هم بکنیم، اصل برائت از تقید واجب به این که در غیر این فرد حرام انجام شود، جاری می کنیم.

#### نظر مختار در شرط سوم

اما انصاف این است که نه به سبب اجماع، بلکه به سبب ارتکاز متشرعی و عقلائی می گوییم عملی که مبعد از مولا است، نمی تواند مقرب به مولا باشد و لذا رمی جمره عقبه به سنگریزه غصبی از عالم عامد و جاهل و ناسی مقصر که نهی منجز دارد، صحیح نیست.

## شرایط استحبابی سنگریزه ها: اندازه و رنگ آنها

مستحب است که به اندازه یک بند انگشت باشد، و همچنین مستحب است از سنگریزه های رنگارنگ استفاده شود.

صحیحه هشام: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَصَى الْجِمَارِ قَالَ كُرِهَ الصُّمُّ مِنْهَا وَ قَالَ خُذِ الْبُرْشَ.[[1]](#footnote-1)

برش، سنگ های رنگارنگ است.

روایت بزنطی: وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ‌ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: حَصَى الْجِمَارِ تَكُونُ مِثْلَ الْأَنْمُلَةِ- وَ لَا تَأْخُذْهَا سَوْدَاءَ وَ لَا بَيْضَاءَ وَ لَا حَمْرَاءَ- خُذْهَا كُحْلِيَّةً مُنَقَّطَةً.[[2]](#footnote-2)

این ها واجب نیست، ولو کان واجبا لبان.

فقط روایت علی بن حمزة بطائنی نهی از کسر سنگ ها کرده است: وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ الْتَقِطِ الْحَصَى وَ لَا تَكْسِرَنَّ مِنْهُنَّ شَيْئاً.[[3]](#footnote-3)

ممکن است کسی بگوید کسر سنگ منهی عنه است، اما ظاهرا کسی به حرمت آن قائل نشده و لذا حمل بر کراهت می شود و بر فرض هم بخواهد احتیاط کند، خودش نباشد بشکند، اما استفاده از سنگریزه ای که دیگری شکسته، بر خلاف روایت نخواهد بود.

### استحباب پیاده بودن و باطهارت بودن رامی

همین طور مستحب است که رامی پیاده باشد و همچنین رامی با طهارت باشد به دلیل صحیحه محمد بن مسلم: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنِ الْجِمَارِ- فَقَالَ لَا تَرْمِ الْجِمَارَ إِلَّا وَ أَنْتَ عَلَى طُهْرٍ.[[4]](#footnote-4)

البته واجب نیست، چون تسالم قطعی بین فقهاء و متشرعه بر عدم وجوب آن است، کما این که صحیحه معاویة بن عمار گفته: وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: وَ يُسْتَحَبُّ أَنْ تَرْمِيَ الْجِمَارَ عَلَى طُهْرٍ.[[5]](#footnote-5)

و ظاهر یستحب در روایات، بیان استحباب است، مثل کلمات فقهاء.

و همچنین در صحیحه معاویة بن عمار آمده: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ يُقْضَى الْمَنَاسِكُ كُلُّهَا عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ- إِلَّا الطَّوَافُ فَإِنَّ فِيهِ صَلَاةً وَ الْوُضُوءُ أَفْضَلُ.[[6]](#footnote-6)

این روایت عرفا اباء از تخصیص دارد، چون رمی جمرات اخص الافراد است و اگر رمی و سعی خارج شود، چیزی تحت آن باقی نمی ماند.

و موید آن روایت ابی غسان است که البته ضعف سندی دارد: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي غَسَّانَ حُمَيْدِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَمْيِ الْجِمَارِ عَلَى غَيْرِ طَهُورٍ- قَالَ الْجِمَارُ عِنْدَنَا مِثْلُ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ حِيطَانٌ- إِنَّ طُفْتَ بَيْنَهُمَا عَلَى غَيْرِ طَهُورٍ لَمْ يَضُرَّكَ- وَ الطُّهْرُ أَحَبُّ إِلَيَّ فَلَا تَدَعْهُ وَ أَنْتَ قَادِرٌ عَلَيْهِ.[[7]](#footnote-7)

اما استحباب غسل برای رمی جمرات ثابت نیست، بلکه ظاهر عکس آن است، به دلیل روایت ذیل: وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا‌ عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْغُسْلِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْمِيَ- فَقَالَ رُبَّمَا اغْتَسَلْتُ فَأَمَّا مِنَ السُّنَّةِ فَلَا.[[8]](#footnote-8)

1. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 33؛ 20 باب كراهة كون حصى الجمار صماء أو سوداء أو بيضاء أو حمراء و استحباب كونها برشا كحلية بقدر الأنملة منقطة ملتقطة غير مكسرة ؛ ج 14، ص : 33](http://lib.eshia.ir/11025/14/33) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 34؛ 20 باب كراهة كون حصى الجمار صماء أو سوداء أو بيضاء أو حمراء و استحباب كونها برشا كحلية بقدر الأنملة منقطة ملتقطة غير مكسرة ؛ ج 14، ص : 33](http://lib.eshia.ir/11025/14/34) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 34؛ 20 باب كراهة كون حصى الجمار صماء أو سوداء أو بيضاء أو حمراء و استحباب كونها برشا كحلية بقدر الأنملة منقطة ملتقطة غير مكسرة ؛ ج 14، ص : 33](http://lib.eshia.ir/11025/14/34) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 56؛ 2 باب استحباب الطهارة لرمي الجمار و عدم وجوبها له و عدم استحباب الغسل له ؛ ج 14، ص : 56](http://lib.eshia.ir/11025/14/56) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 56؛ 2 باب استحباب الطهارة لرمي الجمار و عدم وجوبها له و عدم استحباب الغسل له ؛ ج 14، ص : 56](http://lib.eshia.ir/11025/14/56) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشيعة؛ ج‌1؛ 374؛ 5 باب وجوب الطهارة للطواف الواجب و استحبابها للطواف المستحب و بقية أفعال الحج ؛ ج 1، ص : 374](http://lib.eshia.ir/11025/1/374) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 57؛ 2 باب استحباب الطهارة لرمي الجمار و عدم وجوبها له و عدم استحباب الغسل له ؛ ج 14، ص : 56](http://lib.eshia.ir/11025/14/57) [↑](#footnote-ref-7)
8. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 57؛ 2 باب استحباب الطهارة لرمي الجمار و عدم وجوبها له و عدم استحباب الغسل له ؛ ج 14، ص : 56](http://lib.eshia.ir/11025/14/57) [↑](#footnote-ref-8)